

پیشگیری از بیکاری پژوهشی تطبیقی در

ایران، کانادا، سوئد

دکتر طیبه زندی پور

عضو هیات علمی دانشگاه الزهراء (س)

چکیده

این مقاله بر مبنای پژوهش‌های کمی و کیفی انجام شده در سه کشور ایران، کانادا، سوئد سعی دارد تا توجه خواننده را به راهنمایی تحصیلی - شغلی به عنوان وسیله‌ای برای پیشگیری از بیکاری و نارضایتی‌های تحصیلی - شغلی جلب نماید. نتایج این بررسی، که نظام آموزش و پرورش تحصیلی - شغلی رسمی و غیر رسمی دو کشور غربی (کانادا و سوئد) و کشوری در خاورمیانه (ایران) را مقایسه کرده است، حاکی از این است که آموزش رسمی تحصیلی - شغلی در هیچ‌یک از این سه کشور دانش‌آموزان را به گونه‌ای آماده نمی‌سازد که برای زندگی تحصیلی - شغلی آتی خود به طور مؤثر برنامه‌ریزی کنند. بنابر این یافته، پیشنهاد این پژوهش این است که در ایجاد این آمادگی به منظور پیشگیری از بیکاری یا نارضایتی‌های تحصیلی - شغلی جوانان از خدمات راهنمایی و مشاوره گروهی تحصیلی - شغلی که به صورت یک کارگاه آموزشی سیستماتیک در سال‌های نهم و یازدهم دبیرستان ارائه می‌شود و توأم با فعالیت‌های شغلی منتخب و آزمایشی دانش‌آموزان است حمایت شود.

واژه‌های کلیدی: آموزش و پرورش رسمی و غیررسمی تحصیلی - شغلی، کارگاه آموزشی تحصیلی - شغلی، نارضایتی‌های تحصیلی - شغلی پیشگیری از بیکاری، مطالعه تطبیقی

مقدمه

دلایل بیکاری و یا نارضایتی شغلی عدیده است. اگر علل سیاسی و اقتصادی را کنار بگذاریم، سایر علل به مسائل تربیتی، فرهنگی و اجتماعی باز می‌گردد. این مقاله می‌کوشد تا با تأکید بر پیشگیری به این عوامل بپردازد. برخورداری از یک زندگی تحصیلی - شغلی موفق بستگی به این دارد که تا چه اندازه فرد خویشتن را بشناسد، از امکانات و فرصت‌های تحصیلی - شغلی محیط خود آگاه باشد و تا چه حد در تلفیق این دو مهارت داشته باشد. بدین معنی که بتواند گزینه‌ای معقول انتخاب کند و قادر به برنامه‌ریزی و حل مسئله باشد. در حقیقت اینها مباحثی است که آموزش و پرورش تحصیلی - شغلی باید به آنها بپردازد. بسیاری از صاحب‌نظران آموزش و پرورش زندگی تحصیلی - شغلی از جمله فلیک و لدرمن^(۱) (۲۰۰۴) معتقداند که این آموزش و پرورش پلی ارتباطی بین مدرسه و دنیای کار است. زیرا به دانش‌آموزانی که از مدرسه فارغ‌التحصیل می‌شوند امکان می‌دهد تا بر اساس دانش و مهارت‌های آموخته شده در مدرسه و توانایی آموختن دانش و مهارت‌های جدید به‌طور موفقیت‌آمیزی وارد دنیای کار شوند. به عبارت دیگر آموزش و پرورش تحصیلی - شغلی مؤثر می‌تواند انتقال از مدرسه به محیط کار را تسهیل نموده بر رشد و بلوغ حرفه‌ای (تحصیلی - شغلی) دانش‌آموزان بیافزاید.

مفهوم بلوغ حرفه‌ای به میزان رسش مورد نیاز در هر مرحله از رشد شخصی اشاره دارد (وردگو، جنارو و اریاس^(۲)، ۱۹۹۸) بنا بر تعریف هیلی «شخصی که از نظر حرفه‌ای بالغ است توانایی‌ها، علائق و ارزش‌هایش را می‌شناسد، نسبتاً از خودش راضی است و انتظار دارد که در کارش موفق باشد، با گسترش زندگی شغلی‌اش برای راه حل‌ها یا گزینه‌های متعددی که پیش می‌آید برنامه‌ریزی کرده و از فنون مشکل‌گشایی در سازش با مانع‌های موجود بر سر راه پیشرفتش بهره می‌گیرد.» (ترجمه زندی پور ۱۳۸۵، ص ۹). هدف این پژوهش، با توجه به مفهوم بلوغ حرفه‌ای^(۳) و مهارت‌های انتقالی مورد نیاز دانش‌آموزان از مدرسه به بازار کار، مقایسه سه گروه از دانش‌آموزان دبیرستان‌های

1. Flick & Lederman

2. Verdugo, Jenaro & Arias

3. Career maturity

شهرهای تهران، استکهلم و ونکوور و بررسی علل تفاوت‌هاست. نگارنده بر این باور است که نظام آموزشی جامعه در شکل‌دهی عوامل تربیتی - فرهنگی - اجتماعی و ایجاد آمادگی‌های لازم برای کمک به جوانان در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی زندگی تحصیلی - شغلی آنان نقش بسیار مؤثری را می‌تواند ایفا کند. در همین راستا پاین^(۱) و دیگران (۲۰۰۲) بر آموزش و پرورش شغلی^(۲) زودهنگام تأکید دارند. رایدر^(۳) (۲۰۰۳) و هپنر^(۴) و دیگران (۲۰۰۴) هم نتیجه می‌گیرند که تسهیل تصمیم‌گیری آگانه نوید کسب نتایج شغلی موفق را می‌دهد.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- مسائل و نگرش‌های تحصیلی دانش‌آموزان ایرانی، کانادایی و سوئدی متفاوت است.
- ۲- مسائل و نگرش‌های شغلی دانش‌آموزان ایرانی، کانادایی و سوئدی متفاوت است.
- ۳- ابراز آگاهی دانش‌آموزان ایرانی، کانادایی و سوئدی نسبت به رغبت‌ها، ارزش‌ها، مهارت‌ها و توانمندی‌های تحصیلی - شغلی خود متفاوت است.
- ۴- نگرش دانش‌آموزان ایرانی، کانادایی و سوئدی نسبت به مناسب و مکفی بودن خدمات مشاوره‌ای مدرسه‌شان متفاوت است.
- ۵- نقش والدین ایرانی، کانادایی و سوئدی در تصمیم‌گیری تحصیلی - شغلی فرزندان‌شان متفاوت است.
- ۶- نیازهای تحصیلی - شغلی دانش‌آموزان ایرانی، کانادایی و سوئدی متفاوت است.

روش پژوهش

این تحقیق توصیفی است و از روش‌های کمی و کیفی (پرسش‌نامه، مشاهده و مصاحبه باساختار) در جمع‌آوری داده بهره گرفته است.

جامعه پژوهش

جامعه این تحقیق را دانش‌آموزان پسر و دختر سال آخر دبیرستان‌های پایتخت‌های سه کشور ایران، کانادا و سوئد (تهران، ونکوور و استکهلم) تشکیل می‌دهد.

1. Pyne
3. Ryder

2. career education
4. Heppner

نمونه پژوهش

در پایتخت هریک از سه کشور یک منطقه آموزشی که از نظر وضعیت اقتصادی اجتماعی (SES) بالاتر از سطح متوسط جامعه بود؛ برگزیده شد. از این منطقه یک مدرسه انتخاب گردید و پرسش‌نامه‌ها بین ۱۰۰ دانش‌آموز سال آخر دبیرستان هر مدرسه توزیع گردید. در ایران با توجه به این‌که مدارس پسرانه و دخترانه مجزا هستند، یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه، از منطقه ۱۰ برگزیده شد و در هر مدرسه ۵۰ دانش‌آموز پیش‌دانشگاهی به پرسش‌نامه پاسخ دادند. جدول شماره ۱ توزیع پرسش‌نامه‌های برگشتی معتبر و قابل بررسی را نشان می‌دهد. از پرسش‌نامه‌های برگشتی در ایران ۹۹ در کانادا ۷۵ و در سوئد ۵۵ مورد قابل بررسی بود.

ابزار پژوهش

سؤال این تحقیق بر اساس مرور ادبیات پژوهش، تحقیقات قبلی و یک اجرای آزمایشی تهیه گردید و در کشورهای سوئد و کانادا توسط دو نفر از اساتید و مدرسان درس راهنمایی و مشاوره تحصیلی - شغلی دانشگاه‌های استکهلم و دانشگاه بیربیتش کلمبیا (UBC) از نظر مسائل فرهنگی و به منظور افزایش روایی و کسب مجوز اجرا بررسی گردید. پایایی پرسش‌نامه از طریق آلفای کرونباخ برای هر مجموعه از پرسش‌ها به این ترتیب است: نگرش تحصیلی (۰/۸۵)، نگرش شغلی (۰/۸۴)، شناخت رغبت‌ها، ارزش‌ها، نیازها، توانمندی‌ها (۰/۸۸)، خدمات مشاور مدرسه (۰/۸۷)، تأثیر خانواده و مدرسه در انتخاب شغل (۰/۸۳).

پرسش‌نامه مشتمل بر ۶ سؤال دوگرافیک، ۱۸ سؤال بازپاسخ، ۵ پرسش پنج‌گزینه‌ای و ۶۰ سؤال بلی / خیر بوده است. این پرسش‌نامه در مجموع ۱۱ قسم و ۸۳ سؤال مرتبط با هدف‌ها و فرضیه‌های تحقیق را در بر داشت. مباحث اصلی آن در برگیرنده احساس و رویکرد دانش‌آموزان نسبت به آینده تحصیلی - شغلی خود؛ ارزش‌یابی آنها را از رغبت‌ها، ارزش‌ها، مهارت‌ها و توانمندی‌های‌شان، منابعی که از آنجا اطلاعات تحصیلی - شغلی خود را دریافت می‌کنند، رضایت آنان از خدمات مشاوره‌ای مدرسه خود، نیازهای تحصیلی - شغلی آنها، تجارب کاری آنها، موانع انتخاب‌های تحصیلی - شغلی

آنان، راهکارهای رفع این موانع، اولویت‌های تحصیلی - شغلی آنها و نقش والدین در روند تصمیم‌گیری آنها بوده است.

جدول ۱- آمار نمونه

جمع	دختر	پسر	
۹۹	۵۰	۴۹	ایران
۷۵	۴۰	۳۵	کانادا
۵۵	۲۰	۳۵	سوئد

پروازش داده‌ها

داده‌ورزی از راه نرم‌افزار SPSS با استفاده از آمار توصیفی (فراوانی و درصد) و آمار استنباطی (خی دو) انجام گرفت. یافته‌های کیفی پژوهش حاصل پردازش سؤال‌های بازپاسخ و اطلاعات کیفی به دست آمده از طریق مشاهده و مصاحبه می‌باشد.

یافته‌های ۹ پایان‌نامه مرتبط و مؤید یافته‌های این تحقیق که بین سال‌های ۲۰۰۰ - ۱۹۹۶ توسط محقق راهنمایی شده‌اند: توسلی (۱۳۷۷)، توکلی، گلرخ فردی، مدنی، نیت خیر، مهینی (۱۳۷۸)، پیروزی (۱۳۷۸)، هاشمی باباحیدری (۱۳۷۹)، وزندی‌پور، شعاع کاظمی (۱۳۸۵) همچنین مشاهده‌ها و تجربه‌های نگارنده به عنوان مشاور مدرسه، مدرس مشاوران مدارس، و سرپرست کلینیک مشاوره، مکمل یافته‌های کمی و کیفی بخش انجام شده در ایران است.

در سوئد و کانادا مشاهدات نگارنده و بیش از ۵۰ مصاحبه نیمه‌ساختار با مشاوران مدرسه، دانش‌آموزان دبیرستان، دانشجویان فارغ‌التحصیل و مشغول به تحصیل رشته مشاوره، مربیان و اساتید مشاوره در دانشگاه استکهلم و دانشگاه بریتیش کلمبیا، بازدید از مدارس، مراکز مشاوره دانشگاهی، گفتگو با روانشناسان و مشاوران شغلی و استخدامی در دفاتر اشتغال سوئد^(۱) و مراکز رشد نیروی انسانی در کانادا^(۲) مکمل یافته‌های این پژوهش بوده است.

1. Swedish labour market offices

2. Centers For Human Resource Development Services

یافته‌های پژوهش

چنان‌که در جدول ۲، در رابطه با فرضیه اول پژوهش ملاحظه می‌شود، دانش‌آموزان سه کشور ایران، کانادا، و سوئد از نظر تمایل به ادامه تحصیل، حساس بودن نسبت به سرنوشت تحصیلی - شغلی خود، رغبت‌ها و توانایی‌های تحصیلی - شغلی خود و نیاز به اطلاعات تحصیلی مکفی برای اتخاذ تصمیمی مناسب با یکدیگر تفاوتی ندارند. اما تعداد بیشتری از دانش‌آموزان ایرانی، در مقایسه با دانش‌آموزان کانادایی و سوئدی، رشته تحصیلی آتی خود را انتخاب کرده‌اند، درستی آن را باور دارند، از احرار اولویت اول خود مطمئن هستند و اضطراب کمتری دارند.

جدول ۲- نگرش تحصیلی دانش‌آموزان سه کشور

سؤال	کشور	آری	خیر	درجه آزادی	خی دو	سطح معناداری
می‌خواهم تحصیلم را ادامه دهم.	ایران	۹۶	۳	۲	۴/۱۰	۵/۹۹
	کانادا	۷۰	۱			
	سوئد	۴۴	۴			
رشته تحصیلی‌ام را انتخاب کرده‌ام، درستی انتخاب خود را باور دارم و از احرار آن مطمئن هستم.	ایران	۵۸	۴۱	۲	۱۲/۸۹	۵/۹۹
	کانادا	۲۹	۴۳			
	سوئد	۱۵	۳۶			
گیجم و از انتخابم مطمئن نیستم.	ایران	۴۲	۷۵	۲	۲۵/۱۴	۵/۹۹
	کانادا	۴۱	۳۱			
	سوئد	۳۱	۲۲			
مضطربم و از احرار اولین اولویت خود مطمئن نیستم	ایران	۴۲	۵۷	۲	۱۰/۹۲	۵/۹۹
	کانادا	۴۳	۲۷			
	سوئد	۱۵	۳۲			
بی‌تفاوتم و از رغبت‌ها و توانایی‌های تحصیلی خود مطلع نیستم.	ایران	۱۴	۸۵	۲	۵/۹۰	۵/۹۹
	کانادا	۲۱	۵۰			
	سوئد	۱۳	۳۳			
برای انتخاب رشته مناسب اطلاعات تحصیلی کافی ندارم.	ایران	۱۷	۸۲	۲	۵/۹۷	۵/۹۹
	کانادا	۲۲	۴۹			
	سوئد	۱۵	۳۱			

داده‌های جدول ۳ مربوط به فرضیه دوم تحقیق در مورد نگرش‌های شغلی دانش‌آموزان سه کشور، حاکی از این است که دانش‌آموزان ایرانی، در مقایسه با دانش‌آموزان کانادایی و سوئدی، به‌طور معناداری اظهار کرده‌اند که کار و شغل برای‌شان اهمیتی ندارد و هر وقت نیاز داشته باشند هر کار باشد انجام می‌دهند. نیز بیش از دو گروه دیگر ابراز داشته‌اند که رغبت‌ها و توانمندی‌های شغلی خود را می‌شناسند، شغل خود را انتخاب کرده‌اند، در این مورد ابهامی ندارند و از حصول اولویت خود مطمئن هستند. با این حال، در کمبود اطلاعات شغلی برای اتخاذ تصمیمی مناسب، دانش‌آموزان هر سه کشور با یکدیگر تفاوتی ندارند. در تفسیر عدم اهمیت کنونی کار و شغل برای دانش‌آموزان ایرانی، با توجه به داده‌های جدول ۱، می‌توان گفت که برای ایرانی‌ها تحصیل و کسب مشاغل تخصصی و برخورداری از پایگاه اجتماعی بالا بیشتر اهمیت دارد؛ زیرا اغلب در مورد کسب مشاغل نیازمند به مدرک تحصیلی دیپلم برنامه‌ریزی ندارند و مایلند بلافاصله وارد دانشگاه شوند. چه از تأخیر ورود به دانشگاه، فراموشی مطالب درسی و آمادگی مجدد برای گذراندن امتحان ورود به دانشگاه (کنکور) استقبال نمی‌کنند. یک عامل مؤثر در این امر کمال‌گرایی والدین و بالطبع خود دانش‌آموزان و کاهش امکان ورود به دانشگاه در چندین سال بعد از اخذ دیپلم است.

جدول ۳ - نگرش تحصیلی دانش‌آموزان سه کشور

سؤال	کشور	آری	خیر	درجه آزادی	خی دو	سطح معناداری
کار و شغل برایم مهم نیست. هر وقت نیاز داشته باشم هر کاری باشد انجام می‌دهم.	ایران	۹۲	۵	۲	۱۵۳/۰۷	۵/۹۹
	کانادا	۶	۶۶			
	سوئد	۶	۴۰			
شغلم را انتخاب کرده‌ام. درستی انتخاب خود را باور دارم و از احراز آن مطمئن هستم.	ایران	۴۷	۵۲	۲	۷/۶۳	۵/۹۹
	کانادا	۳۰	۴۲			
	سوئد	۱۲	۳۴			
گیجم و از انتخابم مطمئن نیستم.	ایران	۲۴	۷۵	۲	۳۰/۲۶	۵/۹۹
	کانادا	۴۶	۲۷			
	سوئد	۲۸	۲۰			

۵/۹۹	۱۳/۶۱	۲	۷۰	۲۹	ایران	مضطربیم و از احراز اولین اولویت خود مطمئن نیستم.
			۳۱	۴۱	کانادا	
			۳۰	۱۷	سوئد	
۵/۹۹	۱۲/۱۸	۲	۹۰	۹	ایران	بی تفاوتی و از رغبت‌ها و توانایی‌های شغلی‌ام مطلع نیستم.
			۵۳	۱۸	کانادا	
			۳۲	۱۴	سوئد	
۵/۹۹	۱/۷۷	۲	۶۹	۳۰	ایران	برای انتخاب شغل مناسب اطلاعات کافی ندارم
			۴۴	۲۸	کانادا	
			۲۸	۱۷	سوئد	

یافته‌های فرضیه ۳ پژوهش منعکس در جدول ۴ نشان می‌دهد که اکثر دانش‌آموزان هر سه کشور اظهار داشته‌اند که رغبت‌ها، ارزش‌ها، مهارت‌ها و توانمندی‌های تحصیلی - شغلی خود را می‌شناسند و از این جهت تفاوت معنادار آماری با یکدیگر ندارند. این یافته‌ها با داده‌های شماره ۵ جدول ۲ و ۳ در مورد رغبت‌ها و توانمندی‌های تحصیلی - شغلی همخوان است. بنابراین، فرضیه شماره ۳ پژوهش مبنی بر تفاوت آنها در این موارد رد می‌شود.

جدول ۴ - مقایسه آگاهی دانش‌آموزان سه کشور از علایق، ارزش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های تحصیلی - شغلی خود

سؤال	کشور	آری	خیر	درجه آزادی	خی دو	سطح معناداری
علایق تحصیلی - شغلی خود را می‌شناسم.	ایران	۸۱	۱۸	۲	۳/۴۵	۵/۹۹
	کانادا	۷۳	۲			
	سوئد	۳۸	۱۶			
ارزش‌های تحصیلی - شغلی خود را می‌شناسم.	ایران	۷۸	۲۱	۲	۴/۸۹	۵/۹۹
	کانادا	۶۲	۱۲			
	سوئد	۳۸	۱۶			
مهارت‌های تحصیلی - شغلی خود را می‌شناسم.	ایران	۶۱	۳۸	۲	۴/۹۵	۵/۹۹
	کانادا	۵۵				
	سوئد	۳۷				
توانایی‌های تحصیلی - شغلی خود را می‌شناسم.	ایران	۵۴		۲	۲/۸۲	۵/۹۹
	کانادا	۶۴				
	سوئد	۴۲				

داده‌های جدول ۵ در تأیید فرضیه ۴ که مربوط به نگرش دانش‌آموزان نسبت به خدمات مشاوره‌ای مدرسه است، حاکی از این است که دانش‌آموزان ایرانی در مقایسه با دانش‌آموزان کانادایی و سوئدی کمتر معتقدند که مدرسه در حل مسائل دانش‌آموزان نقش مهمی دارد. ایرانی‌ها از خدمات راهنمایی و مشاوره‌ارائه شده در مدرسه خود رضایت کمتری دارند و معتقدند مشاور مدرسه آنان در معرفی خدمات راهنمایی و مشاوره خود به آنها کمتر فعال بوده است.

جدول ۵ - نگرش دانش‌آموزان دبیرستانی سه کشور نسبت به خدمات مشاوره‌ای مدرسه خود

سؤال	کشور	آری	خیر	درجه آزادی	خی دو	سطح معناداری
آیا خدمات راهنمایی و مشاوره مدرسه در حل مسائل دانش‌آموزان نقش مهمی دارد؟	ایران	۳۸	۶۱	۲	۲۰/۰۴	۵/۹۹
	کانادا	۵۳	۲۲			
	سوئد	۲۱	۳۱			
آیا از خدمات راهنمایی و مشاوره ارائه شده در مدرسه خود راضی هستید؟	ایران	۲۳	۷۶	۲	۷۰/۰۷	۵/۹۹
	کانادا	۶۳	۱۱			
	سوئد	۱۷	۳۵			
آیا برای کارایی بیشتر، خدمات راهنمایی و مشاوره باید از پیش‌دبستان شروع شود؟	ایران	۶۲	۳۷	۲	۸/۲	۵/۹۹
	کانادا	۳۳	۴۲			
	سوئد	۳۵	۱۸			
آیا مشاور مدرسه در معرفی خدمات راهنمایی و مشاوره خود به شما فعال بوده است؟	ایران	۲۶	۷۳	۲	۵۱/۱۱	۵/۹۹
	کانادا	۵۸	۱۶			
	سوئد	۳۵	۱۸			
آیا تا به حال برای کسب خدمات راهنمایی و مشاوره تحصیلی - شغلی به مشاور مدرسه مراجعه کرده‌اید؟	ایران	۵۱	۴۸	۲	۲۰/۳۱	۵/۹۹
	کانادا	۵۹	۱۶			
	سوئد	۱۹	۳۳			
آیا تا به حال به دلیل مشکلات شخصی و سازشی نزد مشاور مدرسه رفته‌اید؟	ایران	۳۰	۶۹	۲	۱۰/۱۱	۵/۹۹
	کانادا	۳۶	۳۹			
	سوئد	۱۲	۴۱			

۵/۹۹	۵/۱۹	۲	۸۹	۱۰	ایران	آیا تا به حال برای مشکلات خانوادگی به مشاور مدرسه مراجعه کرده‌اید؟
			۶۰	۱۴	کانادا	
			۴۶	۳	سوئد	
۵/۹۹	۶۷/۵۹	۲	۸۴	۱۵	ایران	آیا خدمات راهنمایی و مشاور مدرسه خود را متناسب و مکفی ارزیابی می‌کنید؟
			۱۷	۵۸	کانادا	
			۲۷	۲۳	سوئد	
۵/۹۹	۲۲/۷۸	۲	۸۹	۱۰	ایران	آیا مدرسه تا این لحظه شما را برای یک انتخاب تحصیلی - شغلی نسبتاً مطمئن آماده کرده است؟
			۴۲	۲۹	کانادا	
			۴۰	۱۰	سوئد	

همچنین ایرانی‌ها کمتر از دو گروه دیگر برای کسب راهنمایی و مشاوره تحصیلی - شغلی و یا شخصی و سازشی به مشاور مدرسه مراجعه کرده‌اند. به طور کلی دانش‌آموزان ایرانی خدمات راهنمایی و مشاوره مدرسه خود را متناسب و مکفی ارزیابی نکرده‌اند و اظهار داشته‌اند که مدرسه آنها را برای یک انتخاب تحصیلی - شغلی نسبتاً مطمئن آماده ن ساخته است. اما دانش‌آموزان کانادایی، در مقایسه با دو گروه دیگر، به نقش خدمات راهنمایی و مشاوره در حل مسائل دانش‌آموزان بهای بیشتری داده‌اند، و بیشتر به مشاور برای کسب راهنمایی و مشاوره تحصیلی - شغلی مراجعه کرده‌اند. همچنین، نظر مساعدتر و رضایت بیشتری از خدمات مشاوره مدرسه خود ابراز داشته‌اند و آن را مکفی‌تر ارزیابی نموده‌اند. اما در مقایسه با دو گروه دیگر کمتر بر این باورند که خدمات راهنمایی و مشاوره باید از پیش‌دستان آغاز شود. لیکن ایرانی‌ها به رغم نارضایتی از خدمات مشاوره مدرسه خود به ارزشمندی آن پی برده و اکثراً معتقدند این خدمات باید از پیش‌دستان شروع شود. جالب این است که به رغم این تفاوت‌ها هر سه گروه در مورد مراجعه به مشاور برای کسب خدمات راهنمایی و مشاوره خانوادگی با یکدیگر تفاوتی ندارند. بدین معنا که اکثریت دانش‌آموزان هر سه گروه برای کسب خدمات راهنمایی و مشاوره در مسائل خانوادگی به مشاور مدرسه مراجعه نکرده‌اند. این امر می‌تواند ناشی از بالابودن سطح اقتصادی - اجتماعی (SES) خانواده‌ها باشد.

یافته‌های مربوط به فرضیه ۶، در مورد نقش والدین در تصمیم‌گیری‌های تحصیلی - شغلی فرزندان‌شان، در جدول ۶ منعکس است. چنان که جدول گویاست تفاوت سه

گروه در این مورد معنادار است. بدین صورت که اکثر ایرانی‌ها نقش والدین را خیلی زیاد، کانادایی‌ها زیاد و سوئدی‌ها کم می‌دانند. اما در رابطه با تفاوت نقش پدر و مادر در کمک به آنها برای تشخیص رغبت‌ها و توانمندی‌های تحصیلی - شغلی شان تفاوت‌ها معنادار نیست.

جدول ۶ - مقایسه نقش خانواده در تصمیم‌گیری تحصیلی - شغلی دانش‌آموزان سه کشور

سؤال	کشور	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	درجه آزادی	خی دو	سطح معناداری
نقش خانواده را در تصمیم‌گیری تحصیلی - شغلی تا چه اندازه مهم می‌دانند؟	ایران	۴۳	۲۶	۱۹	۱۱	۶	۳۶/۸۱	۱۲/۵۹
	کانادا	۱۴	۲۹	۲۲	۷			
	سوئد	۸	۹	۱۶	۱۸			
پدر شما در کمک به شناخت رغبت‌ها و توانایی‌های تحصیلی - شغلی شما چه اندازه نقش داشته است؟	ایران	۲۱	۲۶	۲۳	۲۹	۶	۹/۶۷	۱۲/۵۹
	کانادا	۲۳	۲۵	۱۵	۸			
	سوئد	۱۳	۱۴	۱۲	۱۴			
مادر شما در کمک به شناخت رغبت‌ها و توانایی‌های تحصیلی - شغلی شما چه اندازه نقش داشته است؟	ایران	۲۱	۳۰	۳۰	۱۸	۶	۵/۲۲	۱۲/۵۹
	کانادا	۱۶	۲۷	۱۷	۱۲			
	سوئد	۱۱	۱۱	۱۸	۱۳			

جدول ۷ مربوط به یافته‌های آخرین فرضیه پژوهش، در مورد نیازمندی‌های تحصیلی - شغلی دانش‌آموزان سه کشور، بیانگر آن است که در نیاز به خودشناسی: شناخت رغبت‌ها، استعدادها، توانمندی‌ها و ارزش‌های تحصیلی - شغلی، بین دانش‌آموزان سه کشور تفاوت معناداری وجود دارد. بدین ترتیب که در درجه اول ایرانی‌ها (۷/۷۸٪)، سپس کانادایی‌ها (۷/۷۱٪) و از همه کمتر سوئدی‌ها (۱۲٪) ابراز داشته‌اند که نیاز به خودشناسی دارند. اما در مورد نیاز به شناخت رشته‌های تحصیلی دانشگاهی متناسب با ویژگی‌های خود و اطلاعات شغلی تفاوت معناداری بین سه گروه ملاحظه نشد. به عبارت دیگر، هر سه گروه به این اطلاعات نیازمندند.

جدول ۷ - مقابسه نیازهای تحصیلی - شغلی دانش آموزان سه کشور

کشور	آری	خیر	درجه آزادی	خی دو	سطح معناداری
ایران	۷۸	۲۱	۲	۷/۵۸	۵/۹۹
کانادا	۵۱	۲۰			
سوئد	۳	۲۲			
ایران	۸۰	۱۹	۲	۲/۰۹	۵/۹۹
کانادا	۶۲	۹			
سوئد	۳۸	۱۱			
ایران	۱۸	۸۱	۲	۰/۷۸	۵/۹۹
کانادا	۱۶	۵۳			
سوئد	۱۱	۳۹			

بحث و نتیجه‌گیری

هرچه دانش آموزان زودتر با ابعاد اصلی آموزش و پرورش تحصیلی - شغلی، یعنی خودشناسی، شناخت امکانات تحصیلی - شغلی محیط و مهارت‌های برنامه‌ریزی و حل مسئله آشنا شوند و به دانش و مهارت‌های لازم آن‌که بسیاری از اندیشمندان (دیوس^(۱) ۲۰۰۰، هدلی^(۲) ۲۰۰۱، ف جوگنسن^(۳) و دیگران ۲۰۰۴) آنها را مهارت‌های انتقال از مدرسه به دنیای کار می‌دانند، مجهز گردند مسیر تحصیلی - شغلی موفق‌تری را دنبال خواهند کرد. نتایج حاصل از این بررسی نشان داد که آموزش و پرورش تحصیلی - شغلی هیچ یک از سه کشور مورد مطالعه، در انتقال دانش و مهارت‌هایی که جوانان برای ادامه تحصیل یا ورود به بازار کار نیاز دارند، زیاد موفق نبوده است (داده‌های جدول ۲، ۳، ۵، ۷). این نتیجه با یافته‌های تحقیق بلاتون و لارابی^(۴) (۱۹۹۹) که در سه ایالت آمریکا انجام شده همخوان است. آنها می‌نویسند: «اگرچه برنامه‌های رشد تحصیلی - شغلی اجرا شده است؛ لیکن ۵۸٪ جوانانی که در نظرسنجی گالوپ (۱۹۹۳ - ۱۹۸۹) شرکت

1. Davies

2. Headly

3. Jorgensen

4. Blaton & Larrabee

داشتند هنوز معتقدند که خدمات دبیرستان در کمک به آنها برای برنامه‌ریزی تحصیلی - شغلی مکفی نیست. همچنین یافته‌های فلیک^(۱) (۲۰۰۴) حاکی از این است که ساختار مدارس دانش‌آموزان را برای نیازهای عملی و نظری دنیای کار آماده نساخته است. در پژوهش حاضر هم اکثریت دانش‌آموزان ایرانی، سوئدی، و کانادایی اذعان داشته‌اند که مدرسه آنها را برای یک گزینه نسبتاً مطمئن تحصیلی - شغلی آماده نساخته است (آخرین یافته جدول ۵). اگرچه دانش‌آموزان کشور کانادا خدمات راهنمایی و مشاوره مدرسه خود را بسیار متناسب‌تر و مکفی‌تر ارزش‌یابی نموده‌اند (سؤال ماقبل آخر جدول ۵)، لیکن به رغم این ادعا، نتایج جدول ۷ بیانگر این است که اکثریت دانش‌آموزان هر سه کشور (۸۰/۸۰ ایرانی‌ها، ۸۷/۳ کانادایی‌ها و ۷۷/۵۵ سوئدی‌ها) نیازمند کمک در شناخت بهتر رشته‌های آموزش عالی مناسب خود در کالج‌ها و دانشگاه‌ها می‌باشند.

با توجه به این‌که بر اساس نتایج جدول ۴ اکثریت دانش‌آموزان سه کشور ابراز داشته‌اند که رغبت‌ها، ارزش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های تحصیلی - شغلی خود را می‌شناسند و از این نظر تفاوت معناداری بین سه گروه یافت نشده است می‌توان نتیجه گرفت که در بین سه محور اصلی ذکر شده برای آموزش و پرورش تحصیلی - شغلی اطلاع‌رسانی تحصیلی - شغلی اهمیت بسزایی دارد. این نتیجه‌گیری با یافته‌های ۹ پایان‌نامه ذکر شده که همگی حاکی از تأثیر اطلاع‌رسانی تحصیلی - شغلی بر افزایش و یا تغییر گزینه‌های تحصیلی - شغلی دانش‌آموزان می‌باشند همخوان است. اهمیت اطلاع‌رسانی شغلی در مطالعه لوکاس^(۲) (ص ۱۷، ۱۹۹۲) هم منعکس است. در این پژوهش که در مرکز مشاوره دانشگاه مریلند انجام گرفته است، لوکاس نتیجه گرفت که: «در چک لیست، تقریباً همه مراجعان (۹۹٪) نیاز به اطلاع‌رسانی شغلی را ابراز داشته‌اند». این یافته با نمرات پایین در مقیاس HOT^(۳) تأیید شده است. این نتایج با داده‌های آخرین گزینه جدول ۲ که حاکی از نداشتن اطلاعات تحصیلی کافی دانش‌آموزان سه کشور می‌باشد همسو است. (۸۱/۸۰ ایرانی‌ها، ۶۹/۰۱ کانادایی‌ها، و ۶۷/۳۹ سوئدی‌ها ابراز داشته‌اند که اطلاعات کافی تحصیلی برای

1. Flick

2. Lucas

3. Having Occupational Information

انتخاب یک تصمیم مناسب ندارند). نیز آمار آخرین گزینه جدول ۳، که نشان می‌دهد دانش‌آموزان هر سه کشور (۶۹/۶۹٪ ایرانی‌ها، ۶۱/۱۱٪ کانادایی‌ها، و ۶۲/۲۲٪ سوئدی‌ها) اطلاعات شغلی کافی را هم برای ورود به بازار کار ندارند، مؤید یافته‌های لوکاس است.

در جمع‌بندی باید گفت اکثر دانش‌آموزان سه کشور احساس نمی‌کنند که برای ورود به مرحله بعدی زندگی تحصیلی - شغلی از آگاهی لازم برخوردارند. در این میان دانش‌آموزان ایرانی بیش از دو گروه دیگر در محرومیت قرار دارند. زیرا کانال‌های اطلاع‌رسانی تحصیلی - شغلی دانش‌آموزان کانادایی و سوئدی به مراتب بیشتر، وسیع‌تر و سهل‌الوصول‌تر است. چه این دانش‌آموزان اطلاعات تحصیلی - شغلی را از طریق سایت‌های مختلف اینترنتی، از جمله سایت شخصی مدرسه خود، سایت‌های مدارس، کالج‌ها، دانشگاه‌های دیگر، بروشورها، کتاب‌ها، ژورنال‌ها، و برنامه‌های معارفه دانشگاه‌ها به سهولت در اختیار دارند. این امکانات در ایران، به ویژه در نقاط دور از شهرهای بزرگ و پایتخت، یا فراهم نشده و یا به سهولت در اختیار دانش‌آموزان قرار نمی‌گیرد. به رغم این مسئله، جالب است توجه کنیم که گزینه ۲ جدول ۲ نشان می‌دهد که دانش‌آموزان ایرانی بیش از دو گروه دیگر اظهار داشته‌اند که رشته تحصیلی خود را انتخاب کرده‌اند و از حصول آن مطمئن هستند (۵۸/۵۸٪ ایرانی‌ها، ۴۰/۲۷٪ کانادایی‌ها و ۲۹/۴۱٪ سوئدی‌ها). همین‌طور گزینه جدول ۳ حاکی است که ۴۷/۴۷٪ ایرانی‌ها، ۴۱/۶۶٪ کانادایی‌ها، و ۲۶/۰۸٪ سوئدی‌ها ابراز داشته‌اند که رشته شغلی خود را انتخاب کرده‌اند و از حصول انتخاب خود مطمئن هستند. در تفسیر این نتایج می‌توان گفت که اطمینان از انتخاب و سردرگمی کمتر دانش‌آموزان ایرانی ناشی از محدودتر بودن انتخاب‌های آنهاست. چه محدودیت کالج‌ها و دانشگاه‌های ایران نسبت به دو کشور دیگر، بالاخص در رابطه با جمعیت متقاضی، از یک سو و عبور از سد کنکور، مانعی که دانش‌آموزان کانادایی و سوئدی به این صورت با آن مواجه نیستند، باعث می‌شود که دانش‌آموزان ایرانی، در مقایسه با دو گروه دیگر که از آزادی عمل و گزینه‌های بیشتری برخوردارند، در انتخاب زودتر به نتیجه‌گیری برسند. زیرا، چنان‌که شرتزر (۱۳۷۱) هم معتقد است فراوانی اطلاعات و مشکل داده‌پردازی خود می‌تواند مانعی برای تصمیم‌گیری باشد.

اگر آموزش و پرورش تحصیلی شغلی را به مثابه مثلی در نظر بگیریم که یک ضلع آن به خودشناسی یا دانش شخصی، ضلع دیگر به اطلاعات محیطی و ضلع سوم به مهارت‌های برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و حل مسئله اختصاص یابد می‌توان گفت که اطلاع‌رسانی محیطی به عنوان یک ضلع مهم از نظر دانش آموزان هر سه کشور غیرمکفی تلقی شده است. اگرچه، در حال حاضر، ملاحظه می‌شود که شبکه‌های اطلاع‌رسانی قوی منطقه‌ای، کشوری و جهانی چون O-net (زندگی پور ۱۳۸۲)، توسعه یافته‌اند، اما در هر سه کشور، بنا بر داده‌های جدول‌های ۲، ۳ و ۷، به دلایلی پاسخگوی نیاز دانش‌آموزان نیستند. در ایران این مسئله، علاوه بر نوپا و غیرمکفی بودن خدمات راهنمایی و مشاوره در مقایسه با دو کشور دیگر، به دلیل عدم وجود شبکه‌های اطلاع‌رسانی تحصیلی شغلی داخلی عدم دسترسی اکثر دانش‌آموزان به کامپیوتر و یا عدم مهارت و قابلیت لازم در بهره‌برداری از آن حادتر است. در دو کشور دیگر، به ویژه در سوئد، عدم کارایی لازم خدمات راهنمایی و مشاوره توجیه مناسبی بر این یافته است. بر طبق گزینه آخر جدول ۵، ۸۹/۸۹٪ از ایرانی‌ها، ۵۹/۱۵٪ کانادایی‌ها و ۸۰٪ سوئدی‌ها اذعان کرده‌اند که مدرسه آنها را برای گزینه بعدی تحصیلی - شغلی آماده ن ساخته است.

اما در مورد نقش خانواده در هدایت تحصیلی - شغلی، دانش‌آموزان هر سه کشور به ترتیب به نقش خانواده رتبه خیلی زیاد (ایرانی‌ها)، زیاد (کانادایی‌ها)، و کم (سوئدی‌ها) داده‌اند. لیکن بین نقش پدر و مادر تفاوت معناداری قائل نشده‌اند. توجیه این رتبه‌دهی به تفاوت فرهنگی سه کشور باز می‌گردد. در ایران به عنوان یکی از کشورهای خاورمیانه، که برخوردار از ارزش‌های سنتی و بافت مذهبی است، فرزندان برای تجربه و نظر والدین ارزش زیادی قائل‌اند. بافت بسیار عاطفی خانواده، حمایت‌های بی‌دریغ و ایثار والدین برای فرزندان حتی تا سنین بزرگسالی، فرزندان را مدیون والدین ساخته و مانع از این می‌شود که به خواسته‌ها و آرزوهای والدین خود بی‌تفاوت باشند. در بین بسیاری از خانواده‌های ایرانی، علاوه بر احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت و رشد فرزندان، به سبب گذشت‌ها و فداکاری‌های بسیار والدین برای فرزندان یک احساس مالکیت نسبت به فرزند هم مشاهده می‌شود. چنان‌که بسیاری از والدین بیش از آن‌که به فردیت و خواسته‌های فرزند توجه کنند ناخودآگاه مایلند خواسته‌ها و تمایلات خود را در وجود فرزند متحقق سازند و از این نظر فرزندان ایرانی ممکن است بیشتر تحت اعمال نظر و

فشار سلیقه‌های والدین در امر تحصیل و اشتغال و حتی ازدواج قرار گیرند. در حالی که در فرهنگ‌های غربی مشاهده می‌شود که والدین آزادگذارنده‌تر هستند، فرزندان در سنین پایین‌تر از خانواده جدا شده و مستقل می‌شوند و توجه به تفاوت‌های فردی بیش از فرهنگ‌های شرقی رعایت می‌شود.

یافته‌های کیفی

در تأیید حمایت‌های بی‌دریغ والدین ایرانی از فرزندان خود و متقابلاً توقع و انتظار بیشتر آنها از اطاعت فرزند، تحلیل یافته‌های کیفی پژوهش نشان می‌دهد که ۷/۷۴٪ دانش‌آموزان کانادایی از یک هفته تا ۴ سال و ۹/۹۲٪ سوئدی‌ها از دو هفته تا ۷ سال (تابستان‌ها) تجربه کاری داشته‌اند. در حالی که از ۹۹ دانش‌آموز ایرانی شرکت‌کننده در این مطالعه فقط ۱۹ نفر (۱/۱۹٪) از چند روز تا یک سال تجربه کاری داشته‌اند. این مسئله هم ناشی از یک تفاوت فرهنگی است. بدین معنی که اغلب خانواده‌های حتی مرفه غربی از تجارب کاری زودرس فرزندان خود استقبال کرده و حتی آن را تشویق و حمایت می‌کنند. بیشتر دانش‌آموزان دبیرستانی کشورهای غربی، به ویژه در تابستان، به مشاغل کوچکی چون تحویل روزنامه محلی، فروشندگی، بچه‌داری، کار در رستوران و غیره دست زده‌اند. این امر نه تنها به اندوخته پول توجیبی آنها کمک می‌کند بلکه مهارت‌ها، تجارب اولیه و مفید شغلی را هم برای آنها فراهم می‌سازد. در فرهنگ ایران، اغلب خانواده‌ها از فعالیت شغلی زودرس فرزندان خود به صورت کار نیمه‌وقت یا تابستانی حمایت نمی‌کنند. چه آنها را از نظر اقتصادی برای خانواده توهین‌آمیز می‌دانند. زیرا می‌اندیشند که ممکن است تصور شود که خانواده قادر به پرداخت پول توجیبی فرزند خود نیست. والدین ایرانی به نکات آموزشی و تجارب حاصل از این فعالیت توجهی ننموده و از آن تقدیر نمی‌کنند. و این در حالی است که برای آن دسته از دانش‌آموزانی که کار با مزد را تجربه کرده‌اند مهم‌ترین علت (برای ۱۵ نفر از ۱۹ نفر) کسب تجربه بوده است و فقط برای ۴ نفر درآمد ملاک بوده است. چنین نظام تربیتی - فرهنگی به خوبی می‌تواند عدم استقلال و وابستگی فرزندان را به رأی و نظر والدین در تصمیمات مهم زندگی توجیه کند. لازم به ذکر است که علت کار کردن برای دانش‌آموزان کانادایی: ۳/۲۳٪ پول، ۸/۱۷٪ تجربه، ۵/۳۱٪ تجربه و پول، و برای دانش‌آموزان سوئدی ۱/۵۷٪ پول، ۶/۲۸٪ پول و تجربه، و ۲/۱۰٪ تجربه و ارزش‌های کار بوده است.

برای هر سه گروه مهم‌ترین عامل در گزینش شغل، رغبت و علاقه به کار بوده است. در پاسخ به این سؤال که چه موانعی بر سر راه تحصیل یا شغل مورد علاقه شما وجود دارد از ۹۹ ایرانی، ۳۰ نفر به این سؤال پاسخی ندادند از پاسخ‌دهندگان ۱۵/۲٪ گفته‌اند هیچ مشکلی وجود ندارد. ۶۶/۶٪ به سدکنکور و رقابت بالا اشاره کرده‌اند و ۲۰/۶٪ از پسران رفتن به سربازی و ۱۳/۷٪ از آنها نبودن کار و امنیت شغلی را ذکر کرده‌اند. در پاسخ به همین سؤال ۲۳ نفر از ۷۵ نفر دانش‌آموز کانادایی پاسخی نگفته‌اند از بقیه ۱۴ نفر (۲۶/۹۲٪) عدم برخورداری از نمرات تحصیلی بالا ۱۲ نفر (۲۳/۰۷٪) استاندارد و رقابت زیاد برای ورود به دانشگاه و ۷ نفر (۱۳/۴۶٪) طولانی بودن دوره تحصیل و ۵ نفر (۹/۶۱٪) به نیافتن رشته ایده‌آل خود اشاره کرده‌اند. از ۵۶ دانش‌آموز سوئدی بیش از نیمی به این سؤال پاسخ ندادند برای ۱ نفر هیچ مانعی وجود نداشته. ۸ نفر (۳۶/۳۶٪) به توان یادگیری و نمرات کم، ۴ نفر (۱۸/۱۸٪) هم گفته‌اند هنوز رشته مورد علاقه خود را پیدا نکرده‌اند. موارد ذکر شده دیگر عبارت بودند از رقابت زیاد، تبدیلی، عدم درک دیگران، تنهایی و تعصب به این‌که فقط اشخاص معینی برای کار معینی ساخته شده‌اند. به نظر می‌رسد بیشترین دغدغه کسانی که از هر سه گروه به این سؤال پاسخ داده‌اند سطح یادگیری و میزان نمرات درسی است که عده‌ای حاضر شدند صادقانه به آن اشاره کنند، احتمالاً علت عدم پاسخ‌گویی عده زیادی از دانش‌آموزان هر سه گروه به این سؤال می‌تواند همین مسئله باشد. در این صورت شاهد دیگری بر این مدعی خواهیم داشت که مدرسه بسیاری از دانش‌آموزان را به دلایل قابل تحقیق برای مقطع تحصیلی بعدی آماده نساخته و زمینه‌های لازم پیشرفت را برای آنها فراهم نمی‌سازد.

طبعاً راه حل‌هایی که این دانش‌آموزان برای رفع موانع تحصیل و شغل خود ذکر کرده‌اند ناشی از تشخیص آنها از مانع است. از ۴۴ نفر دانش‌آموز کانادایی که به سؤال چه راه‌حل‌های را برای رفع موانع تحصیلی - شغلی خود می‌شناسید پاسخ داده‌اند ۲۸ نفر سخت‌کوشی و مطالعه زیاد، ۵ نفر درخواست کسب اطلاعات از دیگران، ۵ نفر اظهار کرده‌اند نمی‌دانند، ۲ نفر کسب تجربه در رشته مورد علاقه خود را ذکر کرده‌اند، ۲ نفر صبر و ۲ نفر سازگاری و انطباق را یادآور شده‌اند. اکثر سوئدی‌ها (۵۱ نفر) به این سؤال پاسخ ندادند؛ ۴ نفر به سخت مطالعه کردن و یک نفر بدون توضیح به اینترنت اشاره کرده احتمالاً دانش‌آموزی بوده است که نداشتن پول را مانع رسیدن به هدف خود می‌دانسته که نویسنده شدن بوده است.

از ۵۷ دانش‌آموزان ایرانی پاسخگو به این سؤال ۱۷ نفر اذعان کرده‌اند راه حلی را نمی‌شناسند و یافتن راه حل وظیفه مسئولان است. ۵ نفر به حذف کنکور، ۶ نفر به درس خواندن و یادگیری بیشتر و بقیه با فراوانی ۲ یا ۱ به راه حل‌های متعدد از جمله تأسیس و گسترش دانشگاه‌ها، انتخاب معلمین بهتر، رعایت عدالت در کنکور، حذف پارتی‌بازی، و تغییر سیاست‌گذاری‌ها، بها دادن به همه رشته‌ها، امکانات بیشتر تحصیلی، افزایش فرصت‌های شغلی، اخذ تعهد کاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها تا عدم وجود هر راه حل و به مزاح خودکشی را اشاره کرده‌اند.

حاصل سخن و آنچه از یافته‌های کمی و کیفی این مطالعه برمی‌آید این است که خدمات راهنمایی و مشاوره تحصیلی - شغلی از نظر دانش‌آموزان هر سه کشور هنوز مکفی نیست و درخواست برای این خدمات برای پیشگیری از بن‌بست‌ها و ناکامی‌های تحصیلی - شغلی آتی و بیکاری یا عدم رضایت تحصیلی - شغلی هنوز به میزان بالایی احساس می‌شود. در ایران این نیاز بیشتر احساس می‌شود، چه در سوئد و کانادا سال‌هاست که دانش‌آموزان و دیگر شهروندان از مراکز راهنمایی شغلی، مراکز جوانان^(۱) و امکانات بیشتری که توسط وزارت کار و مراکز رشد و توسعه انسانی ارائه می‌شود برخوردارند. وزارت کار ایران که امید است در این حرکت سریع‌السير و توانا باشد شاید تازه در آغاز گفتگو راجع به دایر کردن چنین مراکزی است.

پیشنهادهای

- ارائه اطلاعات شغلی به صورت مختلف از طریق رسانه‌های فردی و جمعی: نوار ویدئو، CD، بروشورها، فرهنگ‌نامه‌های شغلی، سخنرانی‌های شغلی، فیلم‌های شغلی، مقالات شغلی - بازدیدهای شغلی و غیره در پایه‌های مختلف تحصیلی بنا بر رشد عقلانی، عاطفی، اجتماعی دانش‌آموزان هر مقطع.
- اختصاص دادن بخشی از محتوای کتاب‌ها به آموزش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز زندگی تحصیلی شغلی با تأکید بر سه محور: شناخت خود، شناخت امکانات تحصیلی - شغلی و مهارت‌های برنامه‌ریزی و حل مسئله.
- آموزش مشاوران ضمن تحصیل و حین خدمت، در ارائه هرچه بهتر خدمات راهنمایی و مشاوره تحصیلی - شغلی متناسب با پژوهش‌ها و نیازمندی‌های روز.

- سهیم کردن والدین در رشد تحصیلی - شغلی فرزندان شان از طریق انجمن مدارس.
- حمایت از مراکز خودجوش و نیمه دولتی مشاوره تحصیلی - شغلی.
- اختصاص بخشی از بودجه آموزش و پرورش و وزارت کار برای جمع آوری و اطلاع رسانی تحصیلی - شغلی.

منابع

- پیروزیان، ا. (۱۳۷۸). بررسی تأثیر ارائه اطلاعات تحصیلی شغلی مکتبی بر گزینه های تحصیلی - شغلی دانش آموزان دختر سال سوم علوم انسانی منطقه ۱۲ تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء (س).
- توسلی، م. (۱۳۷۷). بررسی کارایی ارائه اطلاعات تحصیلی - شغلی در کاهش بحران هویت شغلی نوجوانان پسر و دختر سال سوم دبیرستان های نظام جدید منطقه ۱۱ تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- توکلی، ی. (۱۳۷۸). بررسی میزان اثربخشی اطلاعات تحصیلی - شغلی بر انتخاب های تحصیلی - شغلی دانش آموزان دختر سال اول نظام جدید متوسطه منطقه ۱۸ آموزش و پرورش تهران. پایان نامه کارشناسی، دانشگاه شهید باهنر.
- زندى پور، ط. (۱۳۷۱). آموزش بررسی و برنامه ریزی زندگی تحصیلی - شغلی به نوجوانان و جوانان. مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۱۳ و ۱۴، ۱۱۹ - ۸۱.
- زندى پور، ط. شعاع کاظمی، م. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر ارائه اطلاعات تحصیلی - شغلی بر گزینه های تحصیلی - شغلی دانش آموزان دختر پیش دانشگاهی رشته علوم تجربی منطقه ۲ تهران. معرفت، شماره ۵.
- زندى پور، ط. (۱۳۸۲). نظام مطلوب اطلاع رسانی شغلی. مجموع مقالات همایش نقش اطلاع رسانی شغلی در بازار کار، ص ۲۹۸ - ۲۸۵.
- شترتزر، ب. (۱۳۷۱). بررسی و برنامه ریزی زندگی تحصیلی - شغلی. ترجمه ط، زندى پور. چاپ سوم. تهران: نشر فردوس.
- گلرخ فردی، س. (۱۳۷۸). بررسی میزان اثربخشی اطلاعات تحصیلی - شغلی بر انتخاب های تحصیلی - شغلی دانش آموزان دختر سال اول نظام جدید متوسطه منطقه ۱۵ تهران. پایان نامه کارشناسی، دانشگاه شهید باهنر.
- مدنی، ع. (۱۳۷۸). بررسی میزان اثربخشی ارائه اطلاعات تحصیلی - شغلی بر انتخاب های تحصیلی - شغلی دانش آموزان دختر سال اول نظام جدید متوسطه منطقه ۴ تهران. پایان نامه کارشناسی، دانشگاه شهید باهنر.

- میهنی حسن زاده، ف. (۱۳۷۸). بررسی میزان اثربخشی اطلاعات تحصیلی - شغلی بر انتخاب های تحصیلی - شغلی دانش آموزان دختر سال اول نظام جدید متوسطه منطقه ۲ تهران. پایان نامه کارشناسی، دانشگاه شهید باهنر.
- نیت خیر، م. (۱۳۷۸). بررسی میزان اثربخشی اطلاعات تحصیلی - شغلی بر انتخاب های تحصیلی - شغلی دانش آموزان دختر سال اول نظام جدید متوسطه منطقه ۱۵ تهران. پایان نامه کارشناسی، دانشگاه شهید باهنر.
- هاشمی باباحیدری، ن. (۱۳۷۹). بررسی میزان تأثیر ارائه اطلاعات تحصیلی - شغلی مکفی پیرامون مشاغل گروه علوم پزشکی بر گزینه های تحصیلی - شغلی دانش آموزان دختر دوره پیش دانشگاهی رشته علوم تجربی شهرستان فارس و حومه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء (س).
- Baton, B.L. & Larrabee, M.J. (1999). High school and employment agency client views on career counseling. *Journal of Employment Counseling*, 36, 119-131.
- Davies, S. (2000). On their own? Making the transition from school to work in the information age (Book). *Canadian Review of Sociology & Anthropology*, 37, 349-352.
- Flick, L.B & Lederman, N.G. (2004). School and the world of work. *Journal of School Science & Mathematics*, 104, 101-104.
- Headly, S. (2001). Transition from school to work. *Youth Studies Australia*, 20, 63.
- Heppner, M. et al. (2004). The role of problem-solving appraisal in the process and outcome of career counseling. *Journal of Vocational Behavior*, 65, 217-238.
- Jorgensen, S. (2004). Meeting the challenge: Innovation in one state Rehabilitation system's approach to transition. *Journal of Visual Impairment & Blindness*, 98, 212-228.
- Lucas, M.S. (1992). Problems expressed by career and noncareer helpseekers: A comparison. *Journal of Counseling and Development*, 70, 417-420.
- Pyne, D.; Brnes, K.; Magnusson, K. & poulsen, J. (2002). A description of Junior high school and senior high school students' perceptions of career and occupation. *Juornal of Guidance & Counseling*, 17, 67-73.
- Ryder, B.E. (2003). Counseling theory as a tool for vocational counselors. *Journal of Visual Impairment & Blindness*, 97, 149-157.
- Verdugo, M.; Jenaro, C. & Arias, B. (1998). Outcomes of a program of Vocational evaluation for persons with physical disabilities and blin densess. *Journal of Vocational Rehabilitation*, 11, 181-194.